

کتابخانه‌های مصر

در عهد فاطمیان

در کتابخانه‌های روم نیل، تاریخ باستان بسورت سنک و شکل حجم و خطوط هیروگلیفی پراکنده است؛ اهرام مصر و مناره‌های اسکندریه که از عجایب هفتگانه عالم بشمار می‌روند، هر کدام نمودار تمدن درخشان و نشان دهندۀ دوران پرافتخار مصر می‌باشد. آثار و بقایای فرهنگ و تمدن سابقه‌دار، آنچنان از در و دیوار و پیشکرتنه آن کشور باستانی می‌بارد که از جانب تاریخ نگاران و گهواره تمدن مشرق زمین، لقب گرفته است، سرزمین مصر سازنده تمدنی است که با تمدن یونان و روم با آن قدرت و قدمتش رقابت میکرد و تفوق و برتری خود را محفوظ میداشت، اسکندریه پایتخت باستانی آن، در عظمت و ثروت و زیبایی بجهان آنروز قهر می‌فروخت، آب و هوای خوش، و نسیمهای ملایم و نشاط انگیز سواحل نیل الهام بخش شاعران و سازنده تار و پودمغزهای متفکران و اندیشمندان بوده است بدینجهت تعجبی ندارد که در مسیر تاریخ، تمام کشور - گشایان و سرداران نامی به آن سرزمین قبلی چشم طمع دوخته باشند و امثال: کمبوجیه، اسکندر، قیصر و ناپلئون هر کدام بسودای تصرف نیل لشکر کشی نموده باشند ولی پس از فتح کشور همگی کوچکی و حقارت خود را در برابر عظمت مجسمه‌ها و اهرام و مناره‌ها و شاهکارهای تمدن دیرینه آن احساس نموده و موقعیت خود را در میان تمدن آنان کم کرده باشند.

مصر تنها در برابر یک تمدن عالی و اصیل، صمیمیت و صفا نشان داد و خود را در آن فانی کرد و آنرا از جان و دل پذیرفت و آن اسلام بود، و این موضوع نسبت به مجد و عظمت ایده‌آلی اسلام که ما از آن سراغ داریم، جای شگفتی نیست.

«گوستاو لو بون» مستشرق معروف فرانسوی در این باره مینویسد: «واقعاً هر چه چیز انسانرا بقدر مصریان باستان، بحیرت نمی‌اندازد که آنان تمدن عالی روم و یونان را نپذیرفتند ولی بعکس تمدن و زبان و مذهب عرب را تا این حد و درجه حسن استقبال نمودند که گویی آنها از اصل عرب بودند ... (۱)

مسائرت و سادگی تعالیم اسلام عامل این استقبال بود و هنگامیکه مصریان را از این مطلب رادربافتند به آن گردیدند و در راه آن کوشیدند تا آنجا که آفاریکی از پایه‌گذاران صدیق تمدن اسلام گردیدند و آنرا به مجد و عظمت رساندند...

هنوز چهار قرن از تأبش خورشید اسلام بر دیار مصر نگذشته بود که مراکز علمی و دانشکده‌ها و کتابخانه‌های باشکوه تشکیل یافت و با امتزاج دو تمدن باستانی و اسلامی یک نهضت عالی فرهنگی بوجود آمد که منظر تجلی آن، کتابخانه «دارالحکمه» خلیفه فاطمی در کاخ خلافت بود.

«الغزیز بالله» دومین خلیفه فاطمی که در سال (۳۶۵) بحکومت رسید بشوق و راهنمایی وزیر دانشمندش «یعقوب بن مسلم» کتابهای متعددی در کاخ خلافت فراهم آورد. گویند دویست نسخه از تاریخ طبری را که هر نسخه آنرا با صد دینار خریداری کرده بود و همچنین از کتاب «الجمهره» این دیدید نسخه‌های متعددی فراهم کرد (۲)

این کتابخانه در دوران «الحاکم بالله» بنیان «دارالحکمه» توسعه و تکمیل یافت و مؤسسه مستقلی در ضلع غربی کاخ به این کار اختصاص یافت و مشتمل بر بخشهای متعدد گردید که در هر کدام کتابهای مربوط بر رشته خاصی نگهداری میشد و تنها در رشته فلسفه و علوم قدیم، بالغ بر هجده هزار جلد کتاب داشته است (۳) و سال ۲۵۷۰ دینار طلا برای هزینه نگهداری کتابها اختصاص داده بود (۴).

پس از حاکم «ظاهر» که مردی خردمند و متین بود کار کتابخانه را تعقیب کرد سپس مستمراً در دوران خلافت ۶۰ ساله خود دارالحکمه را گنجینه بی‌بسی نظیری از کتابهای نفیس ساخت (۵)

۱- تمدن اسلام و عرب ص ۲۵۰

۲- الخطط والاتار مقریزی

۳- تمدن اسلام و عرب ص ۵۸۰

۴- تاریخ اسلام دکتر فیاض.

۵- حسن المحاضره سیوطی

آمار کتاب :

در باره تعداد کتابهای این کتابخانه در میان مورخان اختلاف نظر وجود دارد عده‌ای یکصد و سی هزار جلد و برخی مانند «ابن طبر» دویست هزار جلد و کسانی هم مانند «ابن ابی طی» کتابهای آنرا بالغ بر نهم میلیون جلد دانسته‌اند.

شاید اختلاف نظر ناشی از نسخه های متعدد يك كتاب است كه جدا گانه بحساب آورده شده است، چون این کتابخانه از هر کتاب نسخه‌های متعددی داشته است چنانکه نوشته‌اند تنها سی نسخه از کتاب «العین» تألیف خلیل بن احمد بصری نحوی معروف که يك نسخه آن بخط خود مؤلف و دویست نسخه از تاریخ طبری در برداشته است از خصوصیات کتابخانه این بود که اغلب کتابهای آنرا به اهل علم عاربه می‌دادند. (۱)

موزه :

کتابخانه مزبور علاوه بر کتابهای نفیس و قرآنهاي مذهب و عتیق شامل اشیاء گرانبها بوده است چنانکه «کره» ساخت بطلمیوس که ۱۲۵۰ سال از عمر آن میگذشت و همچنین کره دیگری که ابوالحسن صوفی برای عضدالدوله ساخته بود و بقیمت پنجاه هزار سکه خریداری شده بود در آن کتابخانه نگهداری می‌شد و قرآنهاي بخط خوش نویسان معروف مانده : «ابن مقله» و «ابن یوایب» وجود داشته است.

این کتابخانه در دوره حکومت «المستنصر بالله» توسعه یافت، یکی از مورخان مینویسد : میتوان باور کرد که مجموع کتابهای آن ۱۶۰۰۰۰۰ جلد بوده است (۲) ولی اکثر مورخان که در این باره چیزی نوشته‌اند کتابهای دارالحکمه را بیش از ۴۰۰۰۰۰ ندانسته‌اند این کتابخانه تا دوران تسلط صلاح‌الدین ایوبی که در سال ۵۶۷ هـ اتفاق افتاد محفوظ مانده بود بنا بنوشته مقریزی که در تاریخ مصر اسلامی اطلاعات فراوانی دارد هنگام استیلا صلاح‌الدین ۲۰۰ نسخه تاریخ طبری و ۳۴۰۰ نسخه قرآن مجید و صد جلد «الجمهره ابن درید» در آن نگهداری میشد که بمرض فروش گذاشته شد (۳)

این کتابخانه هم مانند کتابخانه اسکندریه از سر نوشت شوم که بدست نادانان، و متعصبین اجرا میشد، محفوظ نماند و هنگام استیلا بر برها قسمتی از کتابهای آن با آتش افکنده شد و برخی دیگر به صحرا ریخته شد و از آن تلی بوجود آمد که معروف به «تل کتاب» گردید.

(۱) : کارنامه اسلام نوشته آقای دکتر زرین کوب

(۲) : تاریخ اسلام جرجی زیدان ج ۳

(۳) : مقریزی ج ۱ ص ۲۵۳

علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین!*

(۶)

طبیعی و فطری بودن قوانین اسلام

بهترین آئینها و قانونها آنست که با طبیعت آدمی و سازمان آفرینش او، سازگار بوده نیازمندیهای همه جانبه طبیعی و فطریش را بر آورد و گرفته ، نه قابل عمل است و نه میتواند آدمی را خوشبخت و سعادت مند سازد.

همانطور که معده آدمی ، طوری آفریده شده که قابلیت هضم هر نوع غذایی را ندارد و اگر سنگریزه و یا سم ، در آن ریخته شود و یا بطور کلی از غذا خالی بماند فاسد میگردد ، و نیز آفرینش آدمی طوری است که بایستی هنگام راه رفتن ، سنگینی بدنش را روی پاهایش قرار دهد و اگر بادشش راه برود، عوارض نامطلوبی بدنپال خواهد داشت ،

همینطور در سرشت آدمی، میلها و خواسته‌هایی از قبیل: معرفت فطری ، غریزه جنسی ، حب به ذات ، علاقه بعال و زندگی ، حس حقیقت جوئی ، عدالتخواهی ، حریت و آزادی ... وجود دارد که نادیده گرفتن و یا افراط کردن در آنها ، مایه بدبختی و هلاکت است .

این طرز خلقت آدمی، که دارای ابزار و نیازمندیهای خاصی است و از آن تعبیر به «فطرت» و «طبیعت» می‌شود ، همواره بایستی در مقام قانون گذاری، مورد توجه قانون گذاران و پانیان مذاهب باشد تا با تنظیم قوانین و بر نامه‌هایی متناسب با سرشت و فطرت آدمی ، بتوانند نیازمندیهای طبیعی او را رفع کرده سعادت فردی و اجتماعی را تامین نمایند .

اینکه می‌بینیم : در طول تاریخ بشریت ، مذاهب و قوانین گوناگونی پدید آمده ولی طولی نکشیده که در با تلاق زمانه دفن شده و از درجه اعتبار ساقط گردیدند ، یکی از عوامل مهم آنرا ، بایستی در عدم اطلاق آن مقررات و دستورها یا قوانین تکوین و سرشت آدمی دانست .

تصویب نظام ظالمانه طبقاتی و تبعیضات نژادی، سلب حق حیات و اختیار